بررسی نقش آمریکا در جنگ لبنان در گفت‌وگوی «توسعه ایرانی» با «امیر چاهکی»

ترامپ می‌کوشد معادله لبنان را در توافق با تهران معکوس کند

حمیدرضا مهدیزاده

باورود ارتش اسرائیل به عمق خاک لبنان و عبور از خطوط سنتی، در کنار بازنگری تهاجمی واشنگتن در توافق احتمالی موقت با تهران، به نظر می‌رسد الگوی فعلی کاخ سفید بر مدیریت بحران و حفظ آتش‌بس، در راستای «تغییر موازنه با توسل به زور» تغییر جهت داده است و در این میان، تنگه هرمز و بازارهای انرژی جهان نیز در گروگان این رقابت ژئوپلیتیک قرار گرفته‌اند. این تحولات زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که درگیری‌های هر روزه پنتاگون و سپاه در آب‌های خلیج فارس را هم به آن اضافه کنیم.

برای بررسی این تحولات، گفت و گویی انجام داده‌ایم با دکتر امیر چاهکی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل در برلین که در ادامه خواهد آمد.

خانم‌ها و آقایان، به «میز سیاست خارجی توسعه ایرانی خوش آمدید.»

امیر چاهکی عزیز، در پرسش اول، می‌خواهم بدانم که آیا سفر احتمالی دونالد ترامپ به اسرائیل در بحبوحه جنگ در لبنان و ادامه تنش دریایی پنتاگون با سپاه، چقدر جنبه نمایشی و جلب حمایت سیاسی در داخل آمریکا دارد و چقدر می‌تواند به عنوان یک چراغ سبز عملیاتی به کابینه نتانیاهو برای پیشبرد اهداف حداکثری‌اش (مانند طرح کنترل ۷۰ درصدی غزه) عمل کند؟ آیا این سفر هماهنگی‌ها برای یک رویارویی بزرگ‌تر را تقویت می‌کند یا اهرم فشاری بر نتانیاهو بابت پذیرش یادداشت تفاهم واشنگتن با تهران خواهد بود؟

درود به شما و مخاطبان ارجمند «توسعه ایرانی». دونالد ترامپ از ماه مارس تاکنون بارها از احتمال سفر خود به اسرائیل، شرکت در مراسم «روز استقلال اسرائیل» و دریافت «جایزه اسرائیل» سخن گفته است؛ جایزه‌ای که به باور برخی ناظران می‌تواند تا حدی دردِ ناشی از عدم دریافت جایزه صلح نوبل را برای او کاهش دهد! با این حال، اکنون که در آغاز ماه ژوئن قرار داریم، کاخ سفید هنوز هیچ برنامه رسمی برای سفر رئیس جمهور آمریکا به تل‌آویو اعلام نکرده است.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی این موضوع را باید در شرایط پیچیده و بی‌ثبات منطقه جست‌وجو کرد. اگرچه در ماه‌های گذشته از آتش‌بس میان اسرائیل و لبنان و آغاز مذاکرات مستقیم دو طرف با نظارت آمریکا سخن گفته می‌شد، اما تحولات اخیر و از سرگیری عملیات زمینی اسرائیل پس از حملات مکرر به مواضع حزب‌الله، بار دیگر چشم‌انداز ثبات را در مرزهای شمالی اسرائیل تضعیف کرده است.

همزمان، مذاکرات ایران و آمریکا نیز هنوز به توافقی مشخص، حتی در قالب یک راه‌حل موقت، منجر نشده است. در نتیجه، ترامپ در این شرایط با منطقه‌ای روبه‌رو است که نه در پرونده لبنان و اسرائیل و نه در پرونده ایران، دستاورد سیاسی روشنی برای ارائه وجود ندارد.

رئیس جمهور آمریکا همواره تلاش کرده است سفرهای خارجی خود را به رویدادهایی تاریخی و نمادین تبدیل کند؛ سفرهایی که بتواند آن‌ها را به عنوان موفقیتی بزرگ برای آمریکا و شخص خود معرفی کند. از همین رو، سفر به خاورمیانه در شرایطی که جنگ و تنش همچنان ادامه دارد و هیچ توافق مهمی در دسترس نیست، با سبک سیاسی و تبلیغاتی ترامپ همخوانی چندانی ندارد.

تا زمانی که درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله مهار نشود و مذاکرات تهران و واشنگتن به نتیجه‌ای ملموس نرسد، احتمالاً زمینه مناسبی برای سفری که ترامپ بتواند آن را «تاریخی» و «موفق» قلمداد کند، وجود ندارد مگر این که تحولات شگرف و غیرمنتظره‌ای را شاهد باشیم

چنین سفری در وضعیت کنونی نه تنها دستاورد مشخصی برای طرف‌های درگیر نخواهد داشت، بلکه می‌تواند فشارهای سیاسی و رسانه‌ای بر ترامپ را در داخل آمریکا و در سطح بین‌المللی افزایش دهد. به همین دلیل، به نظر می‌رسد کاخ سفید ترجیح داده است فعلاً از اعلام هرگونه سفر به اسرائیل خودداری کند و منتظر تحولی باشد که بتوان آن را به عنوان یک موفقیت دیپلماتیک یا سیاسی به افکار عمومی عرضه کرد.

تا زمانی که درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله مهار نشود و مذاکرات تهران و واشنگتن به نتیجه‌ای ملموس نرسد، احتمالاً زمینه مناسبی برای سفری که ترامپ بتواند آن را «تاریخی» و «موفق» قلمداد کند، وجود ندارد مگر این که تحولات شگرف و غیرمنتظره‌ای را شاهد باشیم.

با عبور ارتش اسرائیل از رود لیتانی و ورود به عمق خاک لبنان، هدف میان‌مدت تل‌آویو ایجاد یک منطقه حائل دائمی است یا تحمیل یک توافق تسلیم به حزب‌الله و دولت لبنان؟ این پیشروی فراتر از خطوط سنتی، چقدر احتمال ورود بازیگران جدید به جنگ یا فرسایشی شدن نبرد در خاک لبنان را افزایش می‌دهد؟

در چند دهه اخیر، شاخص ثبات نسبی سیاسی و ژئوپلیتیکی در خاورمیانه‌ی پرتنش، بیش از هر چیز در دو عرصه تجلی می‌یافت: تحولات غزه و کرانه باختری و نیز درگیری‌های اسرائیل و حزب‌الله لبنان. امروز اما هر دو عرصه وارد مرحله‌ای بحرانی شده‌اند و تصویری سراسر قرمز از وضعیت امنیتی منطقه ارائه می‌کنند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی، اسرائیل پس از ۱۸ سال اشغال جنوب لبنان، در دوران نخست‌وزیری ایهود باراک از «منطقه حائل» این کشور خارج شد و نیروهای حزب‌الله بار دیگر در بخش‌هایی از جنوب لبنان مستقر شدند. در ماه‌های اخیر، تحت فشار سیاسی واشنگتن، مذاکرات مستقیمی میان نمایندگان دولت‌های لبنان و اسرائیل در آمریکا آغاز شد. هم‌زمان، جمهوری اسلامی پایان جنگ در لبنان را به یکی از محورهای مذاکرات خود با آمریکا در اسلام‌آباد تبدیل کرد. مجموعه این تحولات به اعلام آتش‌بسی شکننده انجامید، اما این آتش‌بس اکنون جای خود را به جنگی تمام‌عیار داده است؛ جنگی که با ورود نیروهای زمینی اسرائیل به جنوب لبنان و تداوم حملات هوایی به بیروت وارد مرحله‌ای تازه شده است.

حملات گسترده اسرائیل به جنوب لبنان به احتمال فراوان با هماهنگی و حمایت سیاسی دولت دونالد ترامپ آغاز شده، این سازمان، با وجود ضربات سنگینی که طی دو سال گذشته به ساختار نظامی و کادر رهبری آن وارد شده، هنوز توانایی‌های نظامی قابل توجهی را حفظ کرده است

برای نخستین بار در ۲۵ سال گذشته، نیروهای اسرائیلی از رود لیتانی عبور کرده و قلعه تاریخی شقیف (بوفور) را به تصرف خود درآورده‌اند. آنها همچنین پرچم اسرائیل را بر فراز این قلعه برافراشته‌اند؛ در حالی که بنابر گزارش منابع اسرائیلی، نه نیروهای حزب‌الله در این مکان حضور داشته‌اند و نه این قلعه به‌عنوان انبار تسلیحات مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

«جوزف عون»، رئیس جمهور لبنان، عملیات نظامی اسرائیل در یازدهم خرداد ۱۴۰۵ و اشغال قلعه شقیف را «وحشیانه و شنیع» توصیف کرده است. اسرائیل همچنین منطقه میان رود لیتانی و رود زهرانی را منطقه نظامی اعلام کرده؛ اقدامی که هزاران غیرنظامی لبنانی را ناچار به ترک خانه‌های خود کرده است.

«نبیه بری»، رئیس مجلس لبنان، نیز اعلام کرده که آماده است پایبندی حزب‌الله به یک آتش‌بس کامل را تضمین کند. او در عین حال این پرسش را مطرح کرده است که «چه کسی می‌تواند اسرائیل را به توقف تجاوزات نظامی خود وادار کند؟»

فرانسه، با وجود برخورداری از نفوذ تاریخی و پایگاه اجتماعی قابل توجه، به‌ویژه در میان مسیحیان لبنان، بار دیگر نتوانسته نقش مؤثری در مهار بحران ایفا کند. پاریس این‌بار نیز صرفاً خواستار برگزاری فوری نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد شده است؛ شورایی که حتی در صورت تصویب قطعنامه‌ای مغایر با منافع اسرائیل، با احتمال بالای وتوی آمریکا روبه‌رو خواهد بود.

حملات گسترده اسرائیل به جنوب لبنان به احتمال فراوان با هماهنگی و حمایت سیاسی دولت دونالد ترامپ آغاز شده و اهدافی چندلایه را دنبال می‌کند. حزب‌الله، فارغ از وابستگی‌های عمیق مالی و نظامی به جمهوری اسلامی ایران، همچنان از پایگاه اجتماعی مشخصی در لبنان برخوردار است. این سازمان، با وجود ضربات سنگینی که طی دو سال گذشته به ساختار نظامی و کادر رهبری آن وارد شده، هنوز توانایی‌های نظامی قابل توجهی را حفظ کرده و حتی در صورت برگزاری انتخاباتی آزاد نیز می‌تواند نمایندگان خود را به پارلمان لبنان بفرستد.

از این رو، به نظر می‌رسد واشنگتن و تل‌آویو درپی آن هستند که از طریق اعمال فشار حداکثری، زمینه خلع سلاح کامل یا دست‌کم بخش عمده‌ای از توان نظامی حزب‌الله را فراهم کنند. همچنین آنها می‌کوشند پیش از هرگونه توافق احتمالی با تهران، جمهوری اسلامی را برای پذیرش این روند تحت‌فشار قرار دهند.

به بیان دیگر، اگر تا پیش از این تهران پایان جنگ در لبنان و جلوگیری از حملات اسرائیل را یکی از شروط توافق با آمریکا تلقی می‌کرد، اکنون واشنگتن می‌کوشد با بهره‌گیری از نوعی «دیپلماسی جنگی» این معادله را معکوس کند و ایران را وادار سازد پیش از دستیابی به هرگونه تفاهم سیاسی با آمریکا، در مسیر خلع سلاح حزب‌الله نقش‌آفرینی کند.

اگر تا پیش از این تهران پایان جنگ در لبنان و جلوگیری از حملات اسرائیل را یکی از شروط توافق با آمریکا تلقی می‌کرد، اکنون واشنگتن می‌کوشد با بهره‌گیری از نوعی «دیپلماسی جنگی» این معادله را معکوس کند و ایران را وادار سازد پیش از دستیابی به هرگونه تفاهم سیاسی با آمریکا، در مسیر خلع سلاح حزب‌الله نقش‌آفرینی کند

تحولات هفته‌ها و ماه‌های آینده مشخص خواهد کرد که آیا این «دیپلماسی ویژه» آمریکا به اهداف خود دست خواهد یافت یا به سرنوشت دیگر تلاش‌های ناکام در تغییر موازنه قدرت در لبنان دچار خواهد شد.

دستکاری مجدد واژگان بندهای هسته‌ای توسط ترامپ و تعلیق توافق موقت با تهران، نشان‌دهنده استراتژی «فشار حداکثری بازنگری‌شده» برای گرفتن امتیازات بیشتر در آخرین لحظه است یا حاکی از اختلافات عمیق درون واشنگتن و فشار لابی‌های جنگ‌طلب برای ممانعت از هرگونه کاهش تحریم‌ها؟ آیا تهران زیر بار تغییرات تازه ترامپ خواهد رفت؟

مصاحبه پرزیدنت ترامپ با عروس خود لارا در فاکس نیوز قبل از این که نشان‌دهنده تغییر مواضع او در پیش‌نویس توافق احتمالی با ایران باشد حاکی از سردرگمی و فشارها و انشقاق‌های درون حزبی در جمهوری‌خواهان و نیز تنش‌های پیش انتخاباتی با دموکرات‌هاست. دموکرات‌ها که همواره تحت آماج حملات او در مورد «توافق بد برجام» بودند، اکنون سعی دارند تا نشان دهند که مفاد ۱۴ گانه پیش‌نویس توافقنامه تهران-واشنگتن تکرار مضمون همان برجام سال ۲۰۱۵ است که دونالد ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود از آن خارج شده بود.

اگر تغییرات پیشنهادی اضافی ترامپ فقط همان تعهد ایران برای عدم خریدن تسلیحات اتمی باشد، در عین عجیب و غیرجدی بودن آن، پذیرشش از سوی تهران اساسا دشوار نیست چرا که ایران بارها تاکید کرده که خواهان تبدیل شدن به قدرت اتمی نیست و از سوی دیگر تهران تا چندی پیش حتی نتوانست موافقت روسیه را برای دریافت سیستم‌های پدافندی مدرن و پیشرفته اس ۴۰۰ علی‌رغم همه مناسبات نزدیک با مسکو جلب کند

از سوی دیگر جمهوری‌خواهان نگران ادامه این شرایط نه جنگ و نه صلح و یا آغاز یک جنگ همه‌جانبه جدید با ایران هستند که می‌تواند در کنار گسترش بحران انرژی در جهان، شرایط اقتصادی و تورم داخلی آمریکا را هم دشوارتر کند و در نتیجه آن در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر اکثریت شکننده آنان در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا را به سود دموکرات‌ها تغییر دهد و بدین ترتیب مقدمات شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات پیش رو ۲۰۲۸ میلادی را فراهم کند.

دونالد ترامپ در مصاحبه خود ضمن جعلی خواندن اخبار سی‌ان‌ان و بسیاری دیگر از رسانه‌های بزرگ آمریکایی مدعی شد که در تفاهم ۱۴ گانه بیش از هر چیز موضوع هسته‌ای و جزئیات آن تشریح شده است، ولی به‌راستی اگر تغییرات پیشنهادی اضافی ترامپ فقط همان تعهد ایران برای عدم خریدن تسلیحات اتمی باشد، در عین عجیب و غیرجدی بودن آن، پذیرشش از سوی تهران اساسا دشوار نیست چرا که ایران بارها تاکید کرده که خواهان تبدیل شدن به قدرت اتمی نیست و از سوی دیگر تهران تا چندی پیش حتی نتوانست موافقت روسیه را برای دریافت سیستم‌های پدافندی مدرن و پیشرفته اس ۴۰۰ علی‌رغم همه مناسبات نزدیک با مسکو جلب کند، حال چگونه امکان‌پذیر است که روسیه و چین تسلیحات اتمی بر خلاف همه کنوانسیون‌های بین‌المللی به تهران بفروشند در حالی که این دو قدرت جهانی روابط گسترده‌ای هم با کشورهای منطقه و نیز آمریکا دارند.

ولادیمیر پوتین در طول همه ۱۸ سال نخست وزیری نتانیاهو همواره روابط بسیار مثبتی با او داشته و چندی پیش پوتین در کنفرانس سن پطرزبورگ، اسرائیل را کشور «روس‌زبان» قلمداد کرد چرا که بیش از ۲۰ درصد شهروندان آنجا روس‌زبان هستند، حکومت پاکستان هم به همسایه خود ایران که دارای تنش‌های جدی با متحدان اسلام‌آباد همچون عربستان و امارات متحده عربی است و یک‌بار هم به خاک آنها حمله موشکی کرده هرگز تسلیحات اتمی نخواهد داد. رهبر غیرقابل پیش‌بینی کره شمالی نیز بدون حمایت چین و روسیه وارد چنین ریسکی نخواهد شد. خرید تسلیحات اتمی بدون داشتن زیرساخت‌ها و تکنولوژی لازم اساسا توهم است. از این رو فکر می‌کنم تغییرات پیشنهادی ترامپ از سوی تهران می‌تواند قابل قبول باشد.

آیا بازگشایی احتمالی آبراه حیاتی تنگه هرمز و برداشته شدن محاصره بنادر ایران از سوی آمریکا می‌تواند به عنوان پیش درآمدی برای یک آتش‌بس پایدار عمل کند یا این بازگشایی صرفاً یک تنفس تاکتیکی و کوتاه‌مدت است؟ با توجه به نزدیکی جام جهانی، آیا اراده بین‌المللی می‌تواند تا پیش از آغاز مسابقات، شعله‌های جنگ را مهار کند یا منطقه بر خلاف اظهارات باقر قالیباف در مخالفت با جنگ فرسایشی، اتفاقا شاهد یک جنگ فرسایشی خواهد بود؟

تا پیش از آغاز تهاجم نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، چند دور مذاکرات نافرجام میان تهران و واشنگتن بر محور سه موضوع «برچیده شدن یا تعلیق روند و فناوری غنی‌سازی، توان موشکی ایران و نیروهای نیابتی» شکل گرفته بود. پس از آغاز حملات علیه ایران در ۲۸ فوریه، تنگه هرمز عملاً با اقدامات و تهدیدهای مؤثر تهران بسته شد. پیش از آن، روزانه تا ۱۵۰ کشتی تجاری و ابرنفتکش از این آبراه مهم جهانی، که محل عبور روزانه ۲۰ درصد از نیاز جهانی به حامل‌های انرژی است، عبور می‌کردند.

بدین ترتیب روشن است که اکثریت کشورهای جهان با محدود شدن شدید تردد کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها، دچار بحران عمیق انرژی و تورم اقتصادی شدند. از این رو، علی‌رغم همه تأکیدات طرف آمریکایی بر اهمیت موضوع هسته‌ای و ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی، دغدغه اصلی دونالد ترامپ بازگشایی قطعی تنگه هرمز است. حتی شاید در مراحل اولیه، پرداخت عوارض از سوی کشتی‌ها به ایران برای آمریکا در عمل بلامانع باشد و این روند به قولی به‌صورت «خاموش» انجام شود.

اما از سوی دیگر، ایران بدون برداشته شدن یا کاهش چشم‌گیر محاصره دریایی بنادر خود، قطعاً با بازگشایی تنگه هرمز موافقت نخواهد کرد. از این رو، مرحله نخست «یادداشت تفاهم» دو کشور می‌تواند همزمانی این دو گشایش باشد؛ یعنی بازگشایی تنگه هرمز و برداشته شدن محدودیت‌های محاصره دریایی بنادر ایران از سوی آمریکا.

در این صورت، حدود دو هزار کشتی تجاری و نفتکش که در آن سوی تنگه هرمز و در خلیج فارس گرفتار شده‌اند، به سوی مقاصد خود حرکت خواهند کرد. این امر شوک مثبتی به بازار انرژی وارد خواهد کرد و نرخ حامل‌های انرژی روندی کاهشی در پیش خواهد گرفت. چنین تحولی از سوی کاخ سفید یک پیروزی بزرگ برای ترامپ قلمداد خواهد شد و برای ایران نیز، با توجه به آزاد شدن تردد نفتکش‌های ایرانی و لغو محاصره دریایی، یک گشایش اقتصادی و موفقیت سیاسی محسوب می‌شود.

با این حال، این نوع توافق در صورت تحقق، کوتاه‌مدت و ناپایدار خواهد بود و شاید عمر آن تنها تا پایان جام جهانی ادامه یابد. البته آنچه اکنون شنیده می‌شود، توافق برای ادامه مذاکرات درباره موضوع هسته‌ای و ذخایر اورانیوم غنی‌شده در یک بازه زمانی ۶۰ روزه است. در صورت توافق بر سر مفاد مورد بحث، می‌توان از یک توافق میان‌مدت سخن گفت که احتمالاً به قطعنامه‌ای در شورای امنیت نیز تبدیل خواهد شد. به گمان من، در چنین قطعنامه‌ای بندهایی درباره لغو تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران و نیز ترک مخاصمه متقابل با اسرائیل ــ نه به رسمیت شناختن اسرائیل ــ وجود خواهد داشت.

در مورد سخنان محمدباقر قالیباف نیز باید بگویم که این جنگ، یا اگر دقیق‌تر بگوییم «آتش‌بس نانوشته»، نمی‌تواند فرسایشی شود. اساساً نه اراده دو طرف بر چنین مسیری استوار است و نه شرایط اقتصادی، بحران انرژی در ایران، آمریکا و جهان، و نیز مجموعه مؤلفه‌های موجود در کشورهای حوزه خلیج فارس، تاب‌آوری یک بحران عمیق و چندساله را دارد.

کاخ سفید نیز به این باور رسیده است که حملات نظامی، اهداف اولیه آمریکا را دست‌نیافتنی‌تر کرده است. از این رو، اراده سیاسی تهران و واشنگتن در شرایط فعلی، برخلاف تمایلات کابینه راست‌گرای افراطی نتانیاهو بر تحقق یک توافقنامه لااقل میان مدت خواهد بود.

امیر چاهکی، ممنون از شما.

گفت و گو

یک نماینده مجلس:

از برخی تریبون‌ها در میادین شهرها سخنان تخریبی بیان می‌شود

یک نماینده مجلس معتقد است که پیام رهبری در خصوص ضرورت حفظ انسجام و پرهیز از دوقطبی به طور ویژه نمایندگانی را مخاطب قرار می‌دهد که اختلاف‌نظرهای کارشناسی را به صف‌بندی‌های تند سیاسی تبدیل می‌کنند.

خبرآنلاین: آیت الله سیدمجتبی خامنه ای رهبر انقلاب در پیام اخیر خود، از جمله مصادیق تقوا را رعایت وحدت ملّی و انسجام حول پرچم ایران اسلامی دانستند. ایشان که به مناسبت سالگرد تشکیل مجلس شورای اسلامی پیامی صادر کرده اند بر پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته کردن تفاوت های اجتماعی تاکید کردند.

در خصوص این موضوع خبرآنلاین با کمال حسین‌پور نماینده پیرانشهر و سردشت گفت‌وگو کرده است.

او معتقد است که پیام رهبری در خصوص ضرورت حفظ انسجام و پرهیز از دوقطبی به طور ویژه نمایندگانی را مخاطب قرار می‌دهد که اختلاف‌نظرهای کارشناسی را به صف‌بندی‌های تند سیاسی تبدیل می‌کنند.

حسین‌پور با نقد استفاده از ادبیات تخریبی در تریبون‌ها و میدان‌های شهر می‌گوید: مطرح کردن مسائل کشور در قالب دوگانگیِ «انقلابی و غیرانقلابی» یا «موافق و مخالف نظام»، هم متوجه اکثریت است و هم متوجه اقلیت؛ هم متوجه موافقان دولت است و هم منتقدان دولت، فرقی نمی‌کند.

او معتقد است که اگرچه مجلس باید محل «تضارب آرا» باشد، اما نباید به شکاف‌های سیاسی تبدیل شود.

مشروح گفت‌وگوی خبرآنلاین با این نماینده مجلس را در ادامه بخوانید؛

رهبری به مناسبت سالگرد تشکیل مجلس در پیامی بر انسجام و وحدت در بین نمایندگان تاکید کردند. پیام ایشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پیام رهبر انقلاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای پیامی روشن برای همه کشور است. درست است که این پیام خطاب به مجلس بود، اما نقشه‌راهی برای همه ارکان کشور است. امروز بیش از هر زمان دیگری، ایران به انسجام ملی، همدلی و هم‌افزایی همه ظرفیت‌های خود نیاز دارد. در بخش‌های دیگر، دشمنان ملت، وحدت مردم را هدف گرفته‌اند. هرگونه دوقطبی‌سازی، تندروی، تخریب و دامن زدن به اختلافات (خواسته یا ناخواسته)، قرار گرفتن و بازی کردن در مسیر اهداف دشمن است.

ما نمایندگان مردم نیز ضمن پایبندی به اصول انقلاب، موظفیم رقابت و اختلاف نظرهای سیاسی را به عاملی برای تضعیف وحدت ملی تبدیل نکنیم. خب، این انقلابی‌گری حقیقی با عقلانیت و انسجام جامعه همراه است، نه با افراط، هیاهو و شکاف‌آفرینی.

امروز ملت ما در برابر فشارهای خارجی، به نظر بنده سرمایه‌ای بزرگ‌تر از وحدت و همبستگی ندارد. همه جریان‌های سیاسی، نخبگان، مسئولان، رسانه‌ها و نماینده‌ها، همه باید قدر پیام رهبر انقلاب را بدانند و برای تقویت اعتماد عمومی، امید اجتماعی و انسجام ملی تلاش کنند.

ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خود را متعهد می‌دانیم که در کنار ایفای وظایف نظارتی و تقنینی، پرچمدار وحدت، همدلی و همگرایی ملی باشیم؛ چرا که ایران قوی تنها بر پایه اتحاد ملت و پرهیز از تفرقه و افراط‌گری ساخته خواهد شد.

نکته‌ای که در این پیام بود، پرهیز از دوقطبی‌سازی در بین نماینده‌ها بود. همانطور که گفتید مخاطب این پیام در وهله اول نمایندگان مجلس بودند، فکر می‌کنید که مخاطب اصلی این سخن چه گروهی از نمایندگان هستند؟

درست است که شما سوال می‌پرسید اما اگر من مشخصاً بگویم که این پیام خطاب به چه کسی بوده، دوباره همان دوقطبی‌سازی ایجاد می‌شود و باعث اختلاف بین نمایندگان می‌شود. اینکه من بخواهم علیه نماینده خاصی اینجا صحبت کنم و بگویم خطاب آقا به فلان نماینده یا فلان جریان بوده درست نیست.

اینکه این پیام پرهیز از دوقطبی‌سازی خطاب به کدام نماینده یا جریان خاص بوده را نمی‌توان مصداقی تعیین کرد، زیرا پیام‌های ایشان معمولاً ناظر به کل مجلس است و نه یک گروه مشخص؛ مگر اینکه حضرت آقا صراحتاً از کسی نام ببرند.

مصداق موضوعی این بخش از پیام ایشان چه بوده است؟

اما می‌شود این گونه تحلیل کرد: خطاب به کسانی است که اختلاف‌نظرهای کارشناسی را به صف‌بندی‌های تند و فرسایشی تبدیل می‌کنند. ما مجلس را نباید به این صف‌بندی‌ها تبدیل کنیم و به‌جای نقد مستدل، از ادبیات تخریبی علیه یکدیگر و سایر قوا استفاده کنیم. خیلی‌ها در سخنانشان در پشت تریبون‌ها مثل میادین شهر به‌جای نقد، از ادبیات تخریبی استفاده می‌کنند.

معلوم است، مطرح کردن مسائل کشور در قالب دوگانگیِ «انقلابی و غیرانقلابی» یا «موافق و مخالف نظام»، هم متوجه اکثریت است و هم متوجه اقلیت؛ هم متوجه موافقان دولت است و هم منتقدان دولت، فرقی نمی‌کند.

چه موافق دولت و چه مخالف آن، مجلس باید محل «تضارب آرا» باشد، اما نباید به شکاف‌های سیاسی تبدیل بشود. مجلس شورای اسلامی محل اختلاف‌نظر کارشناسی است؛ ما ۲۸۵ نماینده، اختلافات اساسی داریم. اما طبق پیام رهبر معظم انقلاب، از بنده حقیر تا همه نمایندگان، هر جا رقابت‌ها به شکاف در میان نمایندگان بینجامد، از مسیر خدمت و منافع ملی فاصله گرفته‌ایم.

من به همه نماینده‌های عزیز عرض می‌کنم؛ حالا عده‌ای دارند به دولت، به شورای عالی امنیت ملی، به رئیس مجلس و افرادی که واقعاً دارند خالصانه خدمت می‌کنند حمله می‌کنند. من خودم به دولت آقای پزشکیان رأی ندادم، ولی ایشان دارد خدمت می‌کند. عزیزان ما در مجلس باید توجه کنند که امروز نباید در زمین دشمن بازی کنیم.